

تکریم استاد صفرلی، پیشگوس‌ت عکاسی و سینما

جلسه تکریم امیرحسین صفرلی، استاد پیشگوس‌ت عکاسی و سینما برگزار شد. در این جلسه مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی با قدردانی از فعالیت‌های این هنرمند عکاس، هنر کارت این استاد را اعطا کرد و گفت: فعالیت‌هایی که در حوزه فرهنگ رضوی و بارگاه منور امام رضا(ع) انجام داده‌اید، همیشه به یادگار می‌ماند. امیرحسین صفرلی، متولد ۱۳۳۷ در مشهد است. آغاز فعالیت‌های او به سال ۱۳۵۰ می‌رسد. استاد صفرلی، دانش‌آموخته مدرسه عالی سینما وابسته به فرهنگ و هنر وقت است. او که از ابتدا به صورت تخصصی در رشته سینما و عکاسی و مستند فعالیت می‌کرد، از سال ۱۳۵۸ فعالیت آموزشی‌اش را شروع کرد و تاکنون در امر تدریس مبانی هنر و فتوگرافی مشغول بوده است. استاد صفرلی سابقه چهار دهه مستندنگاری از بارگاه امام رضا(ع) را در کارنامه خود دارد.

همکاری شعبی با زمانی در مشهد



مصطفی زمانی بازیگر فیلم سینمایی «بدون قرار قبلی» به کارگردانی بهروز شعبی و تهیه‌کنندگی بابایی شد. شعبی این روزها مشغول ساخت پنجمین فیلم سینمایی خود در شهر مشهد است. فیلمی که فیلم‌نامه‌اش را فرهاد توحیدی و مهدی تراب بیگی با نگاهی به یکی از داستان‌های مصطفی مستور نوشته‌اند. اثر جدید شعبی سال گذشته جلوی دوربین رفت تا اینکه با فرارسیدن سال جدید مراحل تولید آن مدت کوتاهی متوقف شد. فیلم برداری «بدون قرار قبلی» پس از چند روز تعطیلات بار دیگر در شهر مشهد از سر گرفته شده و تا کنون ۳۰ درصد از فیلم برداری آن به پایان رسیده است. آن‌طور که روابط عمومی فیلم اعلام کرده با شروع سال جدید نقش‌آفرینی مصطفی زمانی در فیلم جدید بهروز شعبی آغاز شده است و حضور او تا پایان فیلم ادامه خواهد داشت. شعبی درحالی پنجمین اثرش را کلید زده است که آخرین ساخته سینمایی‌اش «روز بلوا» بعد از رونمایی شدن در جشنواره سی و هشتم هنوز اکران عمومی نشده‌است.

فراخوان «تئاتر فجر ۴۰» در بهار منتشر می‌شود

دبیر چهلمین جشنواره تئاتر فجر از انتشار فراخوان این دوره جشنواره در فصل بهار ۱۴۰۰ خبر داد. به گزارش خبرگزاری مهر، حسین مسافراًستانه که برای دومین دوره پیاپی به عنوان دبیر جشنواره تئاتر فجر انتخاب و معرفی شده درباره زمان آغاز به کار دبیرخانه این رویداد توضیح داد: فعالیت دبیرخانه چهلمین جشنواره تئاتر فجر از این هفته شروع می‌شود. همچنین فراخوان جشنواره چهلم نسبت به جشنواره سی و نهم، زودتر و در فرصت مناسب‌تری منتشر می‌شود. مسافراًستانه تأکید کرد: همه تلاش ما این است که فراخوان جشنواره در فصل بهار منتشر شود تا گروه‌ها فرصت کافی برای بر نامه‌ریزی داشته باشند.

دبیر چهلمین جشنواره تئاتر فجر درباره این موضوع که آیا این دوره از جشنواره نیز مانند جشنواره سی و نهم در فضای مجازی نیز برگزار خواهد شد یا نه، گفت: ما در شرایط کنونی و کرونایی جامعه برگزار ی جشنواره به صورت مجازی و حضوری را در دستور کار خود داریم ولی در نهایت نحوه برگزاری جشنواره بستگی به شرایط آن مقطع زمانی دارد.

یک قدردانی موسیقایی از استاد حسین‌علیزاده



آهنگ‌ساز پیشگوس‌ت پیش روی مخاطبان قرار گرفت. رادمان توکلی در متنی درباره این اثر نوشته است: «نوا برایم سیاسی است در رویارویی با زیبایی، از او که آن را آفرید ... نیایشی که تنها کلامش نام‌آوست و هنگامی که شروع به نواختن کنی حسی مرکب از هر نوایی که در عمق جان‌ت نشسته همراهت می‌شود و به دستان و پرده‌های ساز می‌آید. آن حال غریب‌نی در نوا، زندگی که بی‌تو به سر نشد، پرده‌ای که با زخمه‌ساز تو نو گشت و آن باده‌ای که تویی... این اثر تلاش کوچکی است برای سپاس از او که این دل را روشن و رهنمای جان می‌شود.

سپاس از او که نامش به رنگ نواست.

استاد حسین‌علیزاده...» او از هنرمندانی است که در سال‌های اخیر موسیقی را نزد استادانی مانند حسین‌علیزاده، محمد رضا لطیفی، فرهاد فخرالدینی، امیر نادرزاده و فربرز عزیزی فرا گرفت. حمید قنبری نوازنده تنبک، دایره و بندیر ال‌بوم «به رنگ نوا» نیز از جمله هنرمندان فعال حوزه موسیقی است که تحصیلات عالی خود را در این حوزه به پایان رسانده و در کارنامه آموزشی‌اش حضور در مکتب بهمن رجبی استاد تنبک نوازی به چشم می‌خورد. «زندگی»، «آواز نوا»، «نیشابورک»، «ای عشق»، «آواز نهفت»، «ضربی مجسلی»، «آواز گوشت- عشیران- دوگاه- بیات ترک»، «ضرب اصول بیات ترک (بر اساس نواخته‌های حسین‌علیزاده و محمدرضا لطیفی)»، «ادامه آواز بیات ترک و فرود به نوا» و «به رنگ نوا» قطعات تشکیل دهنده ال‌بوم «به رنگ نوا» هستند.

لیلا کوچکزاده
L.kouchakzadeh@shahraranews.ir

اسماعیل بغدادی از هنرمندان پیشگوس‌ت مشهدی بود که دفتر زندگی‌اش پیش از شروع سال ۱۴۰۰ بسته شد. بغدادی که متولد تهران و بزرگ‌شده مشهد بود، بیست‌وششم اسفند سال گذشته بر اثر عارضه قلبی در هفتاد سالگی چشم‌از جهان فرو بست. این هنرمند خودآموخته با اینکه

در شغلش (کارمند بانک) با عدد و رقم و حساب و کتاب‌های مالی سر و کار داشت به انواع شاخه‌های هنری از جمله موسیقی، نقاشی و مجسمه‌سازی تسلط داشت.

از طرفی رهاورد سفرهایش به کشورهای گوناگون علاقه‌مندی به جمع‌آوری انواع پروانه بود که بعدها همچنان این کار جذاب را دنبال کرد. بغدادی اما با وجود داشتن دغدغه هنر، تقریباً هیچ کدام از آثارش را در نمایشگاه فردی یا سطح جامعه عرضه نکرد و همه آن‌ها در منزل شخصی‌اش از او به یادگار باقی‌مانده‌اند. برای گرامیداشت این نقاش و مجسمه‌ساز فقید با فرزند دوشم سیامک بغدادی، خواننده گروه «ماینس وان»؛ گروهی که آلبوم سومش به تهیه‌کنندگی حامد بهداد منتشر و با استقبال مخاطبان روبه‌رو شده است و حسین طالبی، نقاش پیشگوس‌ت مشهدی و هم‌دوره رضا بغدادی در دوران دبیرستان گفت‌وگو کرده‌ایم که پیش‌روی شماست.

- آموختن هنر از نوجوانی

سیامک بغدادی درباره فعالیت‌های هنری پدرش می‌گوید: پدر از دوران جوانی به کارهای هنری مشغول بوده است و از همان زمان، در آتلیه‌هایی در مشهد با دوستانی که هم‌اکنون همه‌شان در نقاشی و هنرهای تجسمی دست‌اندر کار هستند شروع به کار کرد. نقاشی را در سبک رئالیسم از آقای قدیر صباغیان که از پیشگوس‌تان این عرصه بود آموخت و آقایان میرمصطفایی هم‌دوره ایشان بودند که این‌اواخر هم با برخی از دوستان نقاش هم‌دوره‌شان در ارتباط بودند. پدرم نقاشی را هم با پاستل کار می‌کرد و هم با رنگ روغن. من کارهایی که با پاستل انجام می‌داد را خیلی دوست داشتم. یک پرتره از پدر بزرگم کشیده‌است که هنوز آن را در منزل داریم.

مرحوم اسماعیل بغدادی، مجسمه‌هایی از گچ و سیمان ساخته بوده، اما ترجیح می‌داده آن‌ها را در معرض دید عموم قرار ندهد؛ پدرم بیشتر درون‌گرا بود و به‌اصار دوستانش که به او لطف داشتند در جمع‌های هنری شرکت می‌کرد، اما سال گذشته در نمایشگاه گروهی که شامل آثار پیشگوس‌تان بود و در نگارخانه میرک برگزار شد، شرکت کرد. پدرم و آقایان طالبی و میرمصطفایی و دوستان دیگرشان هم در این رویدادها شرکت کردند.

- هنرمند خودآموخته

سیامک بغدادی از دغدغه هنری پدرش درحالی‌که تحصیلاتش دیپلم و کارمند بانک بوده، می‌گوید: یکی از استادان او مرحوم صباغیان از هنرمندان پیشگوس‌ت مشهدی بود که یادگیری نقاشی را با او آغاز کرد. تحصیلات مرتبط نداشت، اما در کارگاه‌های هنری

یادی از مرحوم اسماعیل بغدادی که از آخرین درگذشتگان سال ۱۳۹۹ خورشیدی بود

هنرمند عاشق پروانه‌ها



رنگ روغن کار می‌کردند.

این هنرمند مشهدی تصریح می‌کند: استاد بغدادی از دوران دبیرستان، عاشق نقاشی رنگ روغن بود. او سه سال از من کوچک‌تر بود و خانواده‌ای متمول داشت. در سال‌های ۴۶، ۴۵ که در باشگاه دبیرستان

می‌شد، دانش‌آموزان علاقه‌مند به رشته‌های هنری در آنجا ثبت‌نام می‌کردند و استاد صباغیان که معلم آموزش و پرورش بود برای ما تدریس می‌کرد. مثلاً از من امتحان طراحی گرفت و اجازه کار با آبرنگ را داد. بغدادی و میرمصطفایی‌ها(پسرعمو بودند)، تابلوهای

که در زمان حیاتش تشکیل می‌شد شرکت می‌کرد. زنده‌یاد بغدادی که مبتلا به دیابت بود و همین بیماری زمینه‌ای باعث آسیب جدی به قلب و دیگر اندام‌های بدنش و در نهایت فوتش شد، اثر ارائه شده در جامعه ندارد چنان‌که پسرش توضیح می‌دهد: همه چیز برای پدرم شخصی بود؛ یعنی خانه‌ما از در ورودی تا طبقات بالا مملو از آثار هنری اوست. مجسمه‌های زیادی ساخت که هم‌اکنون در حیاط و زیر راه‌پله خانه‌مان است و در هر شاخه هنری سلیقه ویژه خودش را اعمال می‌کرد. به‌علاوه پدرم نجاری و نقاشی می‌کرد. باین حال کارهایش خیلی شخصی بود و او در سطح شهر اثری ندارد.

پدرم اوایل با کچ کار می‌کرد، اما مجسمه‌های بزرگ‌تر و سیمانی هم درست می‌کرد. با دوستان هنرمند زیادی رفت‌وآمد داشت و کارهای گروهی انجام می‌دادند و کارگاه‌هایی هم برگزار می‌کردند.

- مجموعه‌دار پروانه‌هاپرکشید

فرزند این هنرمند فقید می‌گوید: من فکر می‌کنم پرداختن به آثار هنری هم درباره پدر و هم دیگر هنرمندان، بخشی برای رها شدن از ملال روزگار بوده، اما دلیل اصلی‌اش عشق به آن هنر و دغدغه هنر داشتن است؛ هنرمند، اثری‌ای را که از محیط اطراف می‌گیرد با تبدیل آن به اثر هنری، منتقل می‌کند. احتمالاً آثار هنری بیشتر هنرمندان بازتاب روحیاتشان و زندگی و جامعه‌شان است و در مورد پدرم من هم همین‌طور که فکر می‌کرد همه چیز بیشتر برایش شخصی بود برای همین خیلی به انتشار آثارش فکر نمی‌کرد. بیشتر کارهایش را در خانه می‌دیدند فقط به خاطر دارم یکی از مجسمه‌هایش به طول یک متر و هفتاد سانتی‌متر که چند سال پیش ساخته بود از طرف یک نفر خریداری شد.

مرحوم بغدادی همچنین مجموعه‌دار بود؛ پسرش با بیان اینکه ذوق هنری‌اش هیچ محدودیتی نداشت می‌گوید: تابلوهای بسیار زیادی از پروانه‌ها دارد.

- هم‌دوره‌ای‌های دبیرستان نصرت‌الملک

حسین طالبی متولد سال ۱۳۲۸ از نقاشان خودآموخته‌ای است که مدتی را همراه با مرحوم اسماعیل بغدادی در محضر شادروان قدیر صباغیان آموزش نقاشی دیده‌اند.

طالبی که به عنوان پیشگوس‌ت هنرهای تجسمی خراسان مورد تقدیر قرار گرفته و آثارش در موزه‌های آستان قدس رضوی، توس و خیام نگهداری می‌شود درباره مرحوم بغدادی می‌گوید: دوست عزیزم را که از دبیرستان با او هم‌دوره بودم اولین بار در باشگاه هنری دبیرستان دیدم. دبیرستان «نصرت‌الملک ملکی» که بعدها به آقا مصطفی خمینی تغییر نام داد و مدتی بعد، بخشی از اداره آموزش و پرورش شد، جلسات این باشگاه عصرهای پنجشنبه تشکیل

درباره نمایشگاه گروهی نقاشی دیواری «جور دیگر باید دید» در نگارخانه حامی

جسارت رنگ کردن دیوارهای سفید

نسبت به دیگر آثار وجود نداشت.

انگار طرح اولیه آثار، همان چیزهایی است که روی بشقاب‌های سفالی در اندازه‌های کوچک قابلیت اجرا داشته‌اند و فقط اندازه آن‌ها را بزرگ کرده‌اند. به غیر از چند اثر بقیه، بدون ظرافت و ریزه‌کاری‌های کارهای بزرگ و با این اندازه است. نقاشی دیواری برای خودش فنی است و نمی‌شود گفت هرکس نقاشی بلد است از عهده این کار هم برمی‌آید. مثل کسی که در استخر شناگر ماهری است ولی همین آدم در دریا مثل مبتدی‌ها در معرض غرق شدن قرار می‌گیرد. با این حال نباید فراموش کرد که جرئت و جسارت هنرمندان جوان می‌تواند در آینده به نفع هنر شهر و آینده خودشان تمام شود. جوانان با دال و جرئتی که هر چیزی و هر کاری را برای تجربه کسب کردن در زمینه هنر امتحان می‌کنند و از هیچ چیز هم نمی‌ترسند.

بزرگ‌ترین هدف یک هنرمند دیده شدن باید باشد. حال با انتقاد یا تمجید. در هر صورت باید خوشحال باشد که به بزرگ‌ترین هدفش رسیده است و دیده شده است. انجام دادن یک فعالیت هنری، به خودی خود باعث واکنش می‌شود و خود این واکنش می‌تواند منشأ خیلی از اتفاقات باشد. اتفاقاتی که می‌توانند زندگی هنری آدم را عوض کنند و به جهت دیگری بریند. ولی اگر از کاری که انجام شده است یا اثری که تولید شده است، توقع دارید همه سلیقه‌ها را ارضی کند، باید به آن اثر شک کنید. به هر حال در این نمایشگاه دوازده، بعضی کارها به شدت مبتدیانه کار شده بود. در بیشتر آثار نه خبری از رعایت فرم بود نه ترکیب‌بندی‌ها درست و درمان رعایت شده بود. رنگ‌ها روی دیوارها خوب پرداخت نشده و هارمونی کلی و میزاسن در محل قرارگیری هر اثر

کارها و آثار نمایشگاه «جور دیگر باید دید» با اکریلیک روی دیوارها اجرا شده بودند و اگر بخواهیم کلی به نمایشگاه نگاه بکنیم، باید عرض کنم که تمام کارها در سبک و سیاق سوررئال و فانتزیی دسته‌بندی می‌شد. آثار با مضامین اجتماعی و دغدغه‌های زیست‌محیطی و قدردانی از کادر درمان کار شده بودند.

کار خالقانه دیگری هم انجام داده بودند. برای درگیر کردن هر چه بیشتر مخاطبان با نمایشگاه، در گوشه‌ای از سالن نگارخانه، کادری هم برای آنان در نظر گرفته شده بود تا هر چیزی که دوست داشتند روی آن بکشند. ولی با تمام خوبی‌ها، زیبایی‌ها و تفکر پشت آثار، پای طاووس‌شان توی ذوق می‌زد. به خاطر وقت محدود یا هر دلیل دیگری، آثار این نمایشگاه از نظر سبک و سیاق اجرا و قدرت خط و قلم، نمره کمی می‌گرفتند .

می‌فهمانند، این چند روز را مشغول چه کاری بوده‌اند.

برگزار کردن نمایشگاه نقاشی، آن‌هم روی در و دیوار نگارخانه، کار وقت‌گیر و پر زحمتی است و کمی در درس بیشتر هم برای نقاش و هم نگارخانه‌دار دارد. کاری که گروه نقاشی «ما» شامل «سمانه اسکندری»، «عاطفه اسکندری» و محمد مهدی خان‌علی‌زاده» توانسته بودند در این چند روز تعطیلی‌های سال نو، از عهده‌اش بر بیایند. ضمن اینکه حمایت مسئولان نگارخانه از این جوانان را هم نباید نادیده گرفت. این ضایفت رنگین در روزهای ۱۴ و ۱۵ فروردین برگزار شد و با اینکه اولین نمایشگاه با این شکل و شمایل نبود ولی شروع خوبی برای سال جدید و سه هنرمند جوانی است که در آن حضور داشتند.

از قدیم هم گفته‌اند سالی که نکوست از بهارش پیداست. انگار برای سالی پر از موفقیت دورخیز کرده‌اند. تمام

امیر منصور رحیمیان

نگارستان

حدود دو هفته و چند روز از سال جدید می‌گذرد و خیلی‌هایمان اگر به خودمان زور آورده باشیم، در این اوضاع که دیدوبازدیدها تعطیل شده، به خانواده‌مان سر زده‌ایم و توی تلفن‌های همراهمان دنبال نمی‌دانم چه گشته‌ایم. خیره صفحه تلویزیون شده‌ایم و سفر رفته‌ایم. اگر کمی هم اهل مطالعه و این‌طور کارها باشیم، شاید چند صفحه‌ای کتاب خوانده باشیم. آدم بالآخره یک کارهایی را می‌گذارد برای وقت فراغت. تعطیلی که زیادت‌ر از انتظارش باشد و هیچ کاری هم نشود در آن انجام داد، به چه دردی می‌خورد؟ این سؤال را باید از هنرمندان جوانی پرسید که وقتشان را الکی نگذرانده‌اند. اولین نمایشگاه سال جدید را در نگارخانه حامی، طوری برگزار کرده‌اند که به آدم

